

فصلنامه علمی-تخصصی

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی-تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء (ع)

دوره دوم * شماره ششم * زمستان ۱۴۰۲



واکاوی دلایل همخوانی امر به معروف و نهی از منکر با آزادی اجتماعی انسان در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری

فاطمه معصومه جلالی^۱

چکیده

بر اساس آموزه‌های دینی و قوانین رایج در مجامع حقوقی بین‌المللی، آزادی اجتماعی یکی از مهم‌ترین حقوق بشری به‌شمار می‌رود و مورد توجه و بررسی گسترده اندیشمندان قرار گرفته است. اما هماهنگی میان فریضه امر به معروف و نهی از منکر با آزادی اجتماعی، از جمله موضوعات چالش‌برانگیز دهه‌های اخیر بوده است. به‌گواه شواهد معتبر، یکی از دقیق‌ترین و کارآمدترین تحلیل‌هایی که به اثبات این هماهنگی پرداخته است، تحلیل‌های مقام معظم رهبری در سخنان و نوشته‌های حکیمانه ایشان است. این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای تدوین شده، در پی پاسخ به این پرسش است: بر اساس اندیشه قرآنی امام‌خامنه‌ای، دلایل وجود هماهنگی میان امر به معروف و نهی از منکر و آزادی اجتماعی چیست؟ مهم‌ترین نتیجه این پژوهش این است که اسلام حامی آزادی فردی و اجتماعی است؛ به این معنا که انسان در حوزه‌هایی مانند خوراک، پوشاک، مسکن، رفتار، منش، بیان و عقیده از آزادی برخوردار است. اما این آزادی، مطلق و بی‌قید و شرط نیست؛ بلکه به دلیل مصالحی، به اموری کارآمد مقید شده است. طبیعتاً عوامل متعددی در تحقق و تأمین این آزادی نقش دارند که امر به معروف و نهی از منکر از جمله آن‌ها به‌شمار می‌آیند. از این رو، بین این دو فریضه مهم و مفهوم‌والای آزادی اجتماعی ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد؛ زیرا تأمین امنیت روانی افراد جامعه، گسترش احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، و جلوگیری از رواج گناه و فساد، وابسته به عملیاتی شدن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در عرصه اجتماعی است.

واژگان کلیدی

امام‌خامنه‌ای، امر به معروف، نهی از منکر، اندیشه قرآنی، آزادی اجتماعی، آزادی، همخوانی.

Email: yaahosin1378@Gmail.com	۱. دانش‌پژوه سطح ۳، تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء (ع)
Orcid: 0000-0001-2345-6789	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۳۰
استاددهی: جلالی، فاطمه معصومه (۱۴۰۲). «واکاوی دلایل همخوانی امر به معروف و نهی از منکر با آزادی اجتماعی انسان در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۲، ش ۶، صفحات ۱۲۷-۱۵۳.	

مقدمه

فریضه امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین واجبات دینی است که عقل نیز بر ضرورت آن تأکید می‌کند. اهمیت این دو اصل در اسلام به حدی است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام آن را برتر از جهاد و والای از تمامی اعمال نیک شمرده و فرموده‌اند: «همه اعمال نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همانند قطره‌ای در برابر دریاست» (نهج البلاغه: حکمت ۳۶۶).

رمز و راز این اهتمام در این نهفته است که انسان به‌طور ذاتی موجودی اجتماعی است و سرنوشت افراد جامعه به یکدیگر پیوند خورده است. زندگی در اجتماع و تعامل با دیگران، برکات و منفعتی برای بشر به همراه دارد که همین مزایا او را به پذیرش زندگی اجتماعی ترغیب کرده است. از سوی دیگر، زیستن در اجتماع مستلزم پذیرش محدودیت‌هایی است که افراد به‌صورت آگاهانه و با اختیار آن را می‌پذیرند. از آنجا که در زندگی جمعی سرنوشت افراد به هم وابسته است و به‌اصطلاح، همه در سرنوشت یکدیگر تأثیرگذارند، حق نظارت بر اعمال دیگران نیز حقی طبیعی و از لوازم زندگی اجتماعی به شمار می‌رود.

فرهنگ اسلامی، سعادت را در بندگی خداوند و آزادسازی روح از بند شیطان، هوا و هوس معرفی می‌کند و حاکمیت دین و عقل را راهی برای دستیابی به سعادت می‌داند. این فرهنگ، تمامی افراد جامعه را نسبت به سعادت یکدیگر متعهد کرده و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را بر دوش همه نهاده است. بر اساس این فرهنگ، افراد جامعه به مثابه مسافران یک کشتی‌اند؛ اگر یکی از آنان به سوراخ کردن کشتی اقدام کند و دیگران بی تفاوت بمانند، همگی در معرض غرق شدن قرار خواهند گرفت. ازاین‌رو، همه باید در برابر چنین اقدامی حساسیت نشان دهند و فرد خاطی را از ادامه کار بازدارند. او نیز نمی‌تواند با توسل به آزادی فردی، واکنش دیگران را دخالتی نابه‌جا تلقی کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۹/۳).

با تبیین در آثار قرآنی رهبر معظم انقلاب، مشخص شد:

الف) نگاه قرآنی مقام معظم رهبری نسبت به آزادی اجتماعی انسان، نگاهی جامع است؛ زیرا هم ارزش‌های الهی در آن لحاظ شده است، و هم منطق انسانی. از نگاه معظم‌له، دلایل



شناختی و غیرشناختی متعددی در جهت اثبات وجود همخوانی بین دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر با آزادی اجتماعی وجود دارد؛ البته ذکر و بررسی برخی از آن‌ها در خلال این مقاله و نادیده‌گیری جمع دیگری از آن‌ها، معلول دو امر است:

۱. لزوم پای‌بندی به محدودیت حجم صفحات مقاله؛

۲. بدیهی و اندک‌بودن بازدهی تأثیرگذاری این بخش از دلایل در جهت اثبات وجود همخوانی بین دو فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر با آزادی اجتماعی افراد جامعه.

ب) برتر بودن نقطه‌نظرهای رهبر فرزانه در عرصه توجه‌دادن به دلایل حاکی از وجود همخوانی بین امر به معروف و نهی از منکر با آزادی اجتماعی، بر دیدگاه دیگر فعالان در این حوزه؛ زیرا این نقطه نظرها، با لحاظ مجموعه ارزش‌های مادی و معنوی نهفته در آفرینش الهی انسان، ابراز شده است.

پژوهش حاضر با طرح این پرسش اصلی آغاز می‌شود: با توجه به اینکه آزادی یکی از بزرگ‌ترین نعمات و افتخارات انسانی است که از سوی خالق به انسان عطا شده است، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه اسلام توصیه می‌کند مؤمنان، دیگر هموعان خود را به انجام کارهای نیک دعوت کرده و از انجام کارهای بد باز دارند؟ آیا اجرای دو اصل «امر به معروف» و «نهی از منکر» به نوعی به محدودیت آزادی افراد در جامعه منجر نمی‌شود؟ به بیان دیگر، آیا می‌توان این دو فریضه اسلامی را با مفهوم آزادی اجتماعی انسان هم‌خوان دانست؟

پیشینه تحقیق

از نوشته‌های پیش‌رو می‌توان به‌عنوان پیشینه پژوهش حاضر یاد کرد:

۱. مقاله «قرآن و آزادی سیاسی» به قلم سید ابراهیم سجادی که در شماره‌های ۳۵ و ۳۶ پژوهشگاه علوم انسانی در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است. نویسنده پس از تعریف آزادی اجتماعی و بررسی موانع آن، تفاوت‌های اندیشه غربی و اسلامی در تعریف آزادی مثبت مورد بحث قرار داده است. نویسنده معتقد است که از منظر قرآن، میان خودسازی و رهایی از اسارت هواها و شهوات، ارتباطی عمیق وجود دارد. او بیان می‌کند که پیروی از غرایز، مشابه اطاعت از فرعون‌ها و طاغوت‌ها، به بردگی منجر می‌شود و به همین دلیل، بندگی خداوند نقشی اساسی

در تحقق آزادی اجتماعی افراد دارد.

۲. مقاله «امر به معروف و نهی از منکر از منظر دین و شرایط اقامه آن» به قلم سیداسماعیل حسینی اجداد و سیده اکرم رخشنده نیا که در شماره ۲ نشریه پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم در سال ۱۳۹۱ منتشر شده، یکی از مهم ترین پرسش ها این است که آیا در حکومت اسلامی، تنها صاحبان قدرت و ابزارهای قدرتمند باید به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند یا همه مردم موظف به این کارند؟ یافته های این مقاله نشان می دهد که انجام این دو فریضه توسط آحاد مؤمنین نه تنها باعث هرج و مرج نمی شود، بلکه به استحکام باورهای اسلامی و تربیت عمومی جامعه کمک می کند. همچنین، نویسندگان تأکید دارند که عدم تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در مخاطب، نباید بهانه ای برای ترک این عمل باشد.

۳. مقاله «بررسی جایگاه امر به معروف و نهی از منکر از منظر امام خمینی (ع) و رهبر انقلاب»، نوشته حسین رحمان پور، محسن قابوسی، و سید مهدی آل نبی، منتشر شده در سال ۱۳۹۶ در پنجمین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی در تهران چاپ شده است. در این پژوهش، مراتب، جایگاه و نقش هر یک از این دو فریضه از دیدگاه امام خمینی (ع) و مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر، در کنار یکدیگر، آثار و برکات فراوانی داشته و نقش چشمگیری در تحقق اهداف والای انسانی، اخلاقی، اجتماعی و... در جامعه ایفا می کنند.

۴. مقاله «امر به معروف و نهی از منکر در منظومه فکری امام خامنه ای» تالیف علی اکبر محمدی در سال ۱۳۹۸ در کنگره ملی تازه یافته ها در علوم انسانی تهران ارائه شده است. در منظومه فکری امام خامنه ای، مسئله امر به معروف و نهی از منکر جایگاه ویژه ای دارد. در این نوشتار، با استناد به بیانات رهبر معظم انقلاب، محورهای اساسی و کلان مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر استخراج و تبیین شده است. نویسنده تلاش کرده است تا با استناد به دیدگاه های برخی از متفکران و با توجه به دیگر بیانات ایشان، مجموعه ای قابل توجه در این حوزه را ارائه کند.

۵. مقاله «آزادی بیان در جامعه اسلامی بر اساس تفسیری متفاوت از امر به معروف و نهی

از منکر» به قلم محمد سمیعی که در بهار ۱۴۰۱ و در شماره ۲۸ فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی منتشر شده است، تلاش می‌کند تا با استفاده از تحلیل‌های قرآنی و حدیثی، جایگاهی مستحکم‌تر و گسترده‌تر برای آزادی بیان در نظام سیاسی اسلام ارائه کند.

۶. مقاله «نگرشی بر جایگاه امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم‌السلام)» که توسط سید محمدحسن هاشمی، محمدمهدی کریمی نیا، فاطمه دسترنج و کیوان احسانی در تابستان ۱۴۰۱ و در شماره ۹، مجله معارف علوم اسلامی و علوم انسانی به چاپ رسیده است، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکردی منطقی، تلاش می‌کند تا نظرات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) پیرامون این فریضه واجب را برای خواننده روشن کند. این مقاله به دنبال ارائه نگرشی جدید از این مسئله است که مبتنی بر قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم‌السلام) به عنوان دو منبع بزرگ دین اسلام است.

با بررسی این مقالات، مشخص می‌شود که تاکنون به صورت مستقل مسئله تطابق امر به معروف و نهی از منکر با آزادی اجتماعی انسان در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است. در حالی که اندیشمندان غربی به بهانه‌ی آزادی اجتماعی، در تلاش هستند تا نقش این دو فریضه دینی را کمرنگ جلوه دهند و جامعه انسانی را به فساد بکشانند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، نگاه رهبر معظم انقلاب به این حوزه بسیار مهم فرهنگی و اجتماعی را بررسی و تحلیل می‌کند.

مفهوم‌شناسی

در ابتدای بحث لازم است که مفهوم واژگان موضوع این مقاله تبیین شود:

۱. همخوانی

«همخوانی» در لغت به معنای هم سفره شدن، هم کاسگی و هم نشینی است (دهخدا، ۱۳۴۱: ذیل واژه همخوانی)؛ و در اصطلاح هماهنگی و در یک راستا بودن افکار، گفتار و رفتار یک فرد است.

۲. «امر» و «نهی»

«امر» در لغت دو معنی دارد؛ یکی کار که جمع آن امور است (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۰۹/۱) و دیگری دستور و طلب که جمع آن اوامر است (فیومی، ۱۴۲۸: ۲۲/۱). نقیض امر، نهی به معنای زجر و منع است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۹۸/۸؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱۱۷/۷).

۳. «معروف» و «منکر»

معروف از ماده «عرف» به معنای شناخته شده است (بستانی، ۱۳۷۵: ۸۷۴/۱). و منکر از ماده «نکر» به معنای ناشناخته است (بستانی، ۱۳۷۵: ۹۶/۱). «معروف» در اصطلاح، اسمی است برای هر کاری که با عقل و شریعت نیکو شناخته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۷/۲). «منکر»، ضد معروف و هر کاری است که عقل‌ها و خردهای سلیم، زشتی آن را حکم می‌کند یا این‌که عقل‌ها در زشتی و خوبی آن کار سکوت می‌کنند، سپس دین و شریعت بدی و زشتی آن را بیان می‌کند (همان، ۱۴۱۲: ۳۹۷/۴).

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «امر به معروف یعنی همه‌ی مؤمنان در هر نقطه‌ای از عالم که هستند، موظفند جامعه را به سمت نیکی، به سمت معروف، به سمت همه‌ی کارهای نیکو حرکت دهند؛ و نهی از منکر یعنی همه را از بدی‌ها، از پستی‌ها، از پلشتی‌ها دور بدارند» (بیانات رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱).

۴. «آزادی»

«آزادی» در لغت به معنای رها بودن از قید و بند، زندانی یا اسیر نبودن و حق انجام دادن افکار و خواسته‌ها بر اساس اراده خود است (دهخدا، ۱۳۴۱: ۷۷/۱؛ عمید، ۱۳۷۹: ذیل واژه آزادی؛ معین، ۱۳۵۱: ذیل واژه آزادی). در اصطلاح دانش سیاسی، شاهد ذکر تعاریفی متنوع برای آزادی هستیم؛ مانند: فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان، سلب مانع ترقی و تکامل، داشتن حق انجام هر عملی تا حدی که حق دیگران مورد تجاوز قرار نگیرد. مصون ماندن از اراده مستبدانه دیگران و ... (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۳۱/۱؛ آقابخشی، ۱۳۷۸: ۱۶۴/۱؛ آیزایا، ۱۳۹۸: ۲۳۶/۱).

رهبر معظم انقلاب نیز در این راستا فرمودند: «مسئله‌ی آزادی یکی از مبانی معرفتی است

که در اسلام مطرح شده است. مهم‌ترین بخش نظریه‌ی آزادی در اسلام، آزادی از این چهارچوب ماده است. نگاه مادی می‌گوید شما یک روز دنیا آمدید، چند سال هم زندگی می‌کنید، بعد هم معدوم می‌شوید، همه‌ی ما محکوم به معدوم شدن هستیم. در این قفس مادی، یک آزادی‌هایی به شما می‌دهند؛ آزادی شهوت، آزادی غضب، آزادی ظلم، همه جور آزادی؛ این آزادی نیست. آزادی، آزادی اسلامی است؛ اسلام ما را در چهارچوب ماده محصور نمی‌کند. خَلَقْتُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ؛ شما برای ماندن خلق شده‌اید، آفریده شده‌اید، نه برای از بین رفتن. ما معدوم نمی‌شویم، از بین نمی‌رویم» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رمضان‌ی دانشجویان، ۱۴۰۲/۱/۲۹).

۱. دلایل وجود همخوانی بین امر به معروف و نهی از منکر با آزادی اجتماعی انسان

با بررسی آثار گفتاری و نوشتاری مقام معظم رهبری که با آموزه‌های قرآنی غنی شده‌اند، به‌وضوح می‌توان دریافت که از دیدگاه ایشان، رابطه و پیوستگی میان امر به معروف و نهی از منکر با آزادی اجتماعی انسان، ماهیتی اثباتی دارد و این دو کاملاً همخوان و هم‌راستا هستند. دلایل این همخوانی نیز متعدد است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱-۱. تأمین امنیت روانی افراد جامعه

فرهنگ دنیاگرایانه‌ای که امروز بر جهان حاکم است، انسان‌ها را از تعهد و مسئولیت در قبال دیگران خالی کرده و همه چیز را حول محور خودمحوری و خودخواهی شکل می‌دهد. این فرهنگ به ما می‌گوید که تنها مسئولیت ما، سعادتمندی شخصی است و باید تمام تلاش و انرژی خود را صرف رسیدن به خواسته‌های خود کنیم. در این دیدگاه، سعادتمندی در بهره‌مندی هرچه بیشتر از لذایذ مادی تعریف می‌شود و آزادی فرد در این بهره‌مندی به معنای حق استفاده هرچه بیشتر از این لذت‌ها است. تنها محدودیت این آزادی، محدودیت آزادی دیگران است؛ یعنی هرکس آزادی و حق بهره‌برداری از لذایذ مادی را دارد و هیچ‌کس نباید او را از این حق محروم کند، مگر اینکه به حقوق و آزادی‌های دیگران آسیب برساند. در چنین وضعیتی، حتی اگر فردی

مورد تجاوز و تعدی قرار گیرد، مسئولیت اعتراض و دفاع از حقوق خود تنها بر عهده‌ی اوست و به ندرت دستی برای یاری به سوی او دراز می‌شود یا فریادی برای حمایت از او بر می‌خیزد. از آنجا که امنیت مفهومی درونی و روانی است، بازتاب‌ها و نشانه‌های آن را باید در رفتارها و نمودهای بیرونی جست‌وجو کرد. همان‌گونه که اضطراب و ترس به‌عنوان احساساتی درونی، دارای آثار ظاهری هستند، امنیت نیز چنین است. در آیات قرآن، نشانه‌ها و اثراتی برای امنیت روانی بیان شده است که از طریق آن‌ها می‌توان به وجود یا نبود این امنیت در زندگی فردی و اجتماعی و همچنین به میزان و شدت آن در افراد یا جامعه پی برد. از مهم‌ترین آثار و نشانه‌های امنیت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) ایجاد بستر عبادت و بندگی خدا

در محیطی که انسان احساس بندگی می‌کند، به‌راحتی می‌تواند به عبادت و پرستش خداوند بپردازد، بدون اینکه عاملی تهدیدآمیز و نگران‌کننده این حس را مختل کند. بر اساس آیه شریفه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ مَنْ جَنَّ وَانْسَانَ رَأَيْتُمْ مِثْلَ الْغُلَامِ مَكَانَهُ يَتَّبِعُهُ أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَهُمْ آيَاتٌ لِّعِبَادِهِمْ فَلَا يُدْرِكُونَ» (ذاریات: ۵۶)، مهم‌ترین مسئولیت و وظیفه انسان، بندگی و عبادت خداوند است. از طریق این عبادت، انسان به ایمانی دست می‌یابد که به تقوا، علم حضوری و شهودی، و یقین منجر می‌شود. بنابراین، فراهم‌سازی این امنیت بسیار اساسی و حیاتی است. از دیدگاه قرآن کریم، امنیت واقعی آن است که این نیاز فطری و طبیعی بشر، یعنی گرایش به عبادت الهی، را تأمین کند. امنیت، زمینه‌ساز روی آوردن مردم به عبادت خداوند متعال است (نور: ۵۵؛ قریش: ۴). بنابراین، اگر در جایی امنیت وجود داشته باشد، بندگی خداوند نیز محقق خواهد شد و نبود بستر مناسب برای عبادت الهی به معنای فقدان امنیت واقعی است.

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند: «مقوله‌ی امنیت، یک مقوله‌ی بسیار مهم و استثنائی است. شما ببینید خداوند در قرآن کریم - «وَأَمْنُهُمْ مِنْ خَوْفٍ» - یکی از بزرگترین نعمت‌های خود را نعمت امنیت به شمار می‌آورد و آن را به رخ آن مردمی که مخاطب این معنا بودند، می‌کشد» (بیانات رهبر معظم انقلاب در هفدهمین دوره‌ی دانش‌آموختگی دانشجویان

دانشگاه علوم انتظامی، ۱۶/۰۸/۱۳۸۶).

ب) امکان تحقیق درباره حق

به‌طور طبیعی، در محیطی که امنیت روانی برقرار باشد، انسان می‌تواند بدون ترس به تحقیق علمی و جستجوی حقیقت پردازد و هیچ عامل بازدارنده‌ای نمی‌تواند او را از این مسیر بازدارد. از دیدگاه قرآن، امنیت به‌عنوان زمینه‌ای برای دستیابی به حقیقت و امکان تحقیق درباره آن معرفی شده است. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه: ۶). بدین معنا که اگر یکی از مشرکان از تو پناه بخواهد، او را پناه ده تا سخن خدا را بشنود و در آن بیندیشد و سپس او را به مکان امنش برسان، چرا که آن‌ها گروهی ناآگاهند. وقتی انسان به تحقیق علمی می‌پردازد و حقیقت را می‌شناسد، به‌طور طبیعی تلاش می‌کند تا آن را در زندگی خود پیاده کند و این تلاش، انسان را به تحول و تغییر می‌کشاند.

رهبر معظم انقلاب درباره نقش برجسته‌ایمان در امنیت و آرامش روانی می‌فرمایند: «ایمان به خدای متعال موجب می‌شود که بشر در زندگی مادی خود بتواند همه‌ی آن چیزهایی را که انسان به آن نیازمند است، به دست بیاورد. «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْبَرُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ»؛ اگر اقامه‌ی دین بشود، اگر تعالیم اسلامی در جامعه عمل بشود، انسان‌ها از لحاظ رفاه به آن حدی می‌رسند که هیچ نیازی برای آن‌ها باقی نماند که تأمین نشده باشد. از لحاظ آسایش معنوی و روانی انسان، احساس امنیت و آرامش، باز نقش ایمان برجسته است. به گفته قرآن: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ، يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ»؛ راه‌های سلامت را، راه‌های آرامش را، راه‌های امنیت روانی را قرآن به انسان تعلیم می‌دهد؛ این راهی است که بشر را به آرامش روانی می‌رساند؛ یعنی همان چیزی که امروز دنیا در فقدان آن، در حال التهاب است. پیشرفت مادی هست، پیشرفت فناوری و علمی هست، ثروت‌های کلان در دست جوامع هست؛ اما آسایش نیست، آرامش نیست. این به خاطر کمبود این عنصر اساسی در زندگی انسان است، که عبارت است از ایمان» (بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۱/۱).

ج) آزادی گردشگری و سیاحت

گردشگری آزادانه در شب و روز از آثار وجود امنیت است. همانطور که قرآن کریم فرمود: ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيَرُوا فِيهَا لَيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ﴾ و میان آن‌ها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادی‌های آشکاری قرار دادیم؛ و سفر در میان آن‌ها را به‌طور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم؛ (و به آنان گفتیم: (شبه‌ها و روزها در این آبادی‌ها با ایمنی (کامل) سفر کنید!﴾ (سباء: ۱۸). اصولاً هرگونه آزادی از جمله گردشگری تابع امنیت است. همین آزادی موجب می‌شود تا شرایط برای درآمد اقتصادی و گردش آزادانه ثروت و سرمایه و پیشرفت اقتصادی فراهم آید.

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند: «اگر چنانچه محیط گردشگاه ما، محیط بوستان ما، محیط خیابان ما، محیط مدرسه‌ی ما جوری باشد که آن کسی که وارد آنجا می‌شود - بخصوص جوانها؛ عمدتاً جوان‌ها - در مقابل ترویج موادّ مخدّر ایمنی نداشته باشند، این ناامنی ناامنی خیلی خطرناکی است. اگر فرض بفرمایید جوان‌های ما در مقابل کشاندن به سمت فحشا و منکرات، ایمنی نداشته باشند، این ناامنی بزرگی است. شما لابد اطلاع دارید، ما هم گزارش‌هایی داریم که افرادی با خرج پول و با الهام از مراکز دستور دهنده، سعی‌شان این است که جوان‌های ما را در محافل شبانه در جاهای گوناگون به سمت فحشا و به سمت منکرات بکشانند! این غیر از این است که حالا یک جوانی یک حرکت غلط غیر شرعی انجام می‌دهد؛ نه، این کشاندن جوان‌ها به سمت منکرات ناامنی است؛ شما باید نگذارید؛ باید مانع بشوید» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴/۲/۶).

د) آسایش و رفاه

امنیت تأمین‌کننده آسایش و رفاه است. امنیت، زمینه‌ساز رفاه و فراوانی نعمت است (بقره: ۱۲۶؛ نحل: ۱۱۲؛ قصص: ۵۷). در آیه ۱۲۶ سوره بقره خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَيُئْسُ الْمَصِيرُ﴾ و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده! و اهل آن را - آن‌ها که به خدا و روز بازپسین، ایمان

آورده‌اند- از ثمرات (گوناگون)، روزی ده! گفت: (ما دعای تو را اجابت کردیم؛ و مؤمنان را از انواع برکات، بهره‌مند ساختیم) اما به آن‌ها که کافر شدند، بهره کمی خواهیم داد؛ سپس آن‌ها را به عذاب آتش می‌کشانیم؛ و چه بد سرانجامی دارند! اینجا خداوند متعال، درخواست روزی و محصولات را پس از درخواست امنیت بیان می‌کند و این ترتب می‌تواند بیانگر این حقیقت باشد که امنیت است که آسایش و رفاه را به ارمغان می‌آورد و بستری مناسب برای آن فراهم می‌کند.

رهبر معظم انقلاب ذیل تفسیر این آیه شریفه فرمودند: «امنیت، نعمت بزرگی است. در قرآن هم راجع به امن و امنیت سخن رفته است. در هر جامعه‌ای، زمینه‌ی لازم برای پیشرفت‌های مادی و معنوی، امنیت است. البته افراد برجسته‌ای هستند که در فضاهای ناامن هم کارهای بزرگی انجام می‌دهند؛ در زیر فشار اختناق رژیم‌های ظالم و ستمگر - همان‌گونه که قبل از انقلاب در این کشور بود - کسانی بودند که در همان ناامنی هم کارهای بزرگی می‌کردند؛ لیکن شرط حرکت عظیم اجتماعی برای یک ملت، در درجه‌ی اول «امنیت» است. امنیت هم انواعی دارد؛ یکی از آن‌ها امنیت نظامی و انتظامی است که شما ملاحظه می‌کنید در بعضی از مناطق عالم، از لحاظ نظامی و انتظامی ناامنی هست. این، بخشی از مقوله امنیت است. امنیت سیاسی و اقتصادی و فکری و عقیدتی هم داریم که همه این‌ها مقولات بسیار با اهمیتی است» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۸/۶/۱۰).

ه) سلامت و آرامش خانوادگی
برخی از مفسران آرامش روحی افراد و سلامتی خانواده‌ها را از آثار امنیت دانسته‌اند (سید قطب، ۱۴۰۸: ۲۱۰/۱). مقام معظم رهبری نیز، با الهام از آموزه‌های نهفته در دل آیات شریفه قرآنی، صراحتاً در این باره اعلان نموده است: «اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سکن داشته باشد، حقیقتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است - و همچنان که قرآن خواسته، مودّت و رحمت بین این‌ها باشد، و اگر «و لهنّ مثل الذی علیهن» در خانواده رعایت شود - این چیزهایی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات بیرون خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد؛ اصلاً بر این‌ها فائق می‌آید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات

خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصه‌ی اجتماع هم خواهد توانست» (بیانات رهبر معظم انقلاب در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

و) رشد علمی و آزادی‌های گوناگون

پیشرفت و رشد علمی در گرو آزادی اندیشه و تحقیق و بیان است. از این رو برنامه کرسی‌های آزاداندیشی در فرآیند رشد علمی جامعه بسیار تاثیر دارد؛ از طرفی نبودن امنیت در جامعه، زمینه‌ساز رکود علمی، اظهار نشدن عقاید، بروز نارضایتی عمومی، همچنین زمینه‌ساز چاپلوسی، نفاق، بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی به حاکمان می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸۴/۱۰). متأسفانه تهاجم فرهنگی غرب، آموزه امر به معروف را دخالت بی‌جا معنا کرده و اقدام به آن را ناپسند جلوه داده و بسیاری در جامعه خودمان تحت تاثیر این تهاجم، به آموزه ارزشمند امر به معروف و نهی از منکر دید منفی یافته و آثار گرانقدر آن را به فراموشی سپرده‌اند؛ در حالی که افرادی در غرب به دنبال گمشده‌ای هستند که آنان را از منجلا ب فساد و ظلم و تجاوز برهاند و اخیراً یکی از محققان غربی این گمشده را همان آموزه «امر به معروف و نهی از منکر» یافته و به معرفی آن پرداخته است.

آقای «مایکل کوک» نویسنده نام‌آور آمریکایی و برنده بهترین آثار سال در زمینه علوم انسانی، اخیراً کتاب «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» را به چاپ رسانده و روانه بازار کرده است. ظاهراً این اولین تحقیق و تألیف یک دانشمند غربی در زمینه یکی از احکام اجرایی اسلام می‌باشد. نوشته‌های مستشرقان غالباً در زمینه تاریخ اسلام، تاریخ پیامبر، سیره پیامبر و جهان بینی و اعتقادات اسلام است و اما در مورد احکام و تکالیف دینی کمتر بحثی صورت گرفته است.

نویسنده در این کتاب به لزوم امر به معروف و شرایط و حدود و کیفیت آن به صورت مفصل پرداخته که جالب توجه می‌باشد. او در مقدمه کتاب خویش یادآور می‌شود که بنا به گزارش منتشره پلیس - در روزنامه نیویورک تایمز - در شامگاه ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸م در ایستگاه قطار شهری شیکاگو، در حضور جمعی از مردم، زنی مورد تجاوز قرار می‌گیرد و به جز یک نفر - آن هم پس از تمام شدن ماجرای تجاوز - هیچ کس برای کمک به قربانی از جای خود حرکت

نمی‌کند با اینکه این تجاوز در ساعت‌های پر رفت و آمد انجام شده و زن مورد تجاوز فریاد زنان کمک طلبیده و چندین نفر به آن صحنه می‌نگریسته‌اند. بنا به گزارش پلیس، متجاوز جلوی چشم دیگران به آن زن تجاوز می‌کند و حتی در حین تجاوز به قربانی خود دستور لبخند زدن می‌دهد و قربانی نیز به اجبار لبخند می‌زند. در این بین از حاضران تنها یک نفر پس از فریادهای مکرر زن مورد تجاوز، به خیابان می‌رود، جلوی ماشین پلیس را می‌گیرد و از آنان می‌خواهد برای دستگیری متجاوز اقدام کنند.

این گزارش پلیس آقای «مایکل کوک» را به این فکر می‌اندازد که چرا در نظام غرب افراد طوری تربیت شده‌اند که هیچ واکنشی در برابر چنین جنایتی از خود نشان نمی‌دهند و تحقیق بیشتر به او می‌نمایاند که تنها در نظام حقوقی اسلام با وضع قانون «امر به معروف و نهی از منکر»، زمینه مداخله دیگران در برابر انحرافات، تجاوزات و ستمگری‌ها فراهم شده است.

در این باره مقام معظم رهبری، جریان زیر را از سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ، تبیین می‌کند: «نقل کرده‌اند که یک اعرابی با همان خشونت صحراگردی خود آمد خدمت پیغمبر و از پیغمبر چیزی خواست. پیغمبر یک کمکی به او کردند، چیزی به او دادند. بعد که این را به او بخشیدند گفتند خوب شد؟ من به تو نیکی کردم؟ راضی هستی؟ آن مرد به‌خاطر همان خشونت صحراگردی خود و صراحت و بی‌تعارفی هم که این جور افراد دارند گفت نه، هیچ کاری نکردی، این چیزی نبود که توبه من دادی! آن چند نفری که اطراف پیغمبر بودند، خواستند با عصبانیت یک عکس‌العملی نشان بدهند؛ پیغمبر فرمود نه، شما به او کاری نداشته باشید، من با او مسئله را حل خواهم کرد. از جمع خارج شدند و آن اعرابی را هم با خودشان بردند منزل و یک چیزهای اضافه‌ای به او دادند؛ بعد به او گفتند حالا راضی شدی؟ گفت بله. آن مرد در مقابل احسان پیغمبر شرم‌منده شد، اظهار رضایت کرد. سپس رسول اکرم ﷺ رو کردند به اصحابشان فرمودند: «مثل این اعرابی، مثل آن شتر و ناقه‌ای است که از یک گله‌ای جدا شده، سر گذاشته به بیابان دارد می‌دود. شما دوستان من برای اینکه این شتر را بگیرید و او را به من برگردانید، از اطراف حمله می‌کنید و دنبال او می‌دوید. این حرکت شما وحشت او را زیاده‌تر می‌کند و دستیابی به او را دشوارتر خواهد کرد. من نگذاشتم شما او را بیشتر از آنچه از جمع ما ریمیده بود، برمانید. با

محبت، با نوازش دنبال اورفتم، اورا برگرداندم به جمع خودمان» (بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه نماز جمعه، ۱۳۶۸/۷/۲۸).

۲-۱. احساس مسئولیت افراد جامعه نسبت به یکدیگر

با این که به طور مسلم زندگانی دسته جمعی، فواید و برکات فراوانی برای افراد بشر دارد و همین مزایا انسان را وادار به زندگانی اجتماعی کرده است. ولی در مقابل آن، محدودیت هایی نیز برای او به بار می آورد، و چون در برابر فوائد بی شمار زندگی دسته جمعی، ضرر این نوع محدودیت ها جزئی و ناچیز است. لذا بشری که از روز اول تن به زندگی اجتماعی داده است، این محدودیت ها را پذیرفته است. و از آنجا که در زندگی اجتماعی سرنوشت افراد به هم مربوط است، و به اصطلاح، افراد اجتماع در سرنوشت یکدیگر اثر دارند، حق نظارت در اعمال دیگران حق طبیعی و خاصیت زندگی دسته جمعی است.

بنابراین، انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها با آزادی های فردی مخالف نیست، بلکه وظیفه ای است که افراد در مقابل یکدیگر دارند. دستور امر به معروف و نهی از منکر و متعهد دانستن همه افراد در قبال ناهنجاری ها برای ایجاد امنیت درونی جامعه می باشد. در این بُعد، از یک سوزن و مرد مسلمان به عفاف، حیا، خودداری از چشم چرانی، فتنه گری و دلربایی دعوت می شوند و از طرف دیگر افراد جامعه به مثابه برادران و خواهران دوستداری معرفی می شوند که هر کدام نسبت به دیگری احساس مسئولیت داشته و سعادت، سربلندی و عزتمندی او را خواستار بوده از این رو او را به سوی خوبی ها دعوت و امر کرده و از پلشتی ها و ناهنجاری ها نهی نموده و باز می دارد.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نیز، با الهام از مفاد جمع چشمگیری از آیات و روایات، به مسئول بودن افراد جامعه نسبت به یکدیگر، باور داشته و برای آن اهمیت قائل است؛ و صراحتاً اعلان نمود: «هیچ کس نگوید من تکلیفی ندارم، من مسئولیتی ندارم؛ همه مسئول هستند. مسئولیت معنایش این نیست که اسلحه ببندیم و بیائیم در خیابان راه برویم؛ بلکه در هر کاری که هستیم، احساس مسئولیت کنیم» (بیانات رهبر معظم انقلاب، در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ششم بهمن، ۱۳۸۸/۱۱/۶).

و نیز فرمودند: «هرکس باید واعظ خود باشد، خود را مراقبت کند، از تخطی خود مانع شود، امر به معروف و نهی از منکر هم بکند که آن امر خود به معروف و نهی خود از منکر و موعظه کردن خود، بر امر و نهی و موعظه‌ی دیگران مقدم است. این، همان تقوای الهی است که از ما خواسته‌اند. تقوا را مراقبت کنیم و به یکدیگر توصیه نماییم. من هم به شما برادران و خواهران توصیه می‌کنم که تقوای الهی را فراموش نکنید. بزرگترین محصول ماه رمضان، تقواست. آنچه را به دست آورده‌اید، حفظ کنید و برای سال‌های آینده و این‌شاء‌الله تا آخر عمر، افزایش دهید» (بیانات رهبر معظم انقلاب، در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۷۴/۱۲/۱).

آیاتی از قرآن کریم به این کلام معظم‌له اشاره دارند؛ از جمله: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است﴾ (توبه: ۷۱).

امر به معروف و نهی از منکر وقتی به‌عنوان یک وظیفه عمومی معرفی شد، احساس تعهد و مسئولیت را در همه افراد زنده کرده، سستی، خمودی، بی‌عاری و بی‌غیرتی را کنارزده و جامعه را زنده و پویا می‌گرداند. مظلوم، دستان یاری را به سوی خود دراز می‌بیند و ظالم، با قهر حق جویان مواجه می‌گردد و جرئت تجاوز، تعدی و پرده‌دری نمی‌یابد. زمینه جامعه پاک، عفیف و مصفا شده و فسادخواهان، فتنه‌گران و بی‌بند و بارها از رویه زشت خود دست خواهند شست و جامعه به حق، الگو شده و سزاور مدال «بهترین امت» می‌گردد: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی،) ایمان آورند، برای آن‌ها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آن‌ها با ایمانند، و بیشتر آن‌ها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار)﴾ (آل عمران: ۱۱۰).

تعهدی که آموزه دینی امر به معروف و نهی از منکر در افراد جامعه ایجاد می‌کند، بسیار ارزشمند است و باید برای عمومی کردن این آموزه تلاش کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۹/۳).

۳-۱. جلوگیری از رواج گناه و فساد در جامعه

بهترین نوع حکومت، حکومتی است که همه مردم در آن سهیم و شریک باشند، و به تعبیر دیگر پایه‌های آن بر دوش عموم مردم باشد؛ امر به معروف و نهی از منکر در واقع تعمیم مسئله حکومت، و تثبیت مشارکت عموم در آن است؛ زیرا از این طریق جلو بسیاری از تخلفات گرفته می‌شود و مردم به انجام وظایف فردی و اجتماعی آشنا می‌گردند، و با توجه به اینکه همیشه تعداد مأموران ویژه مبارزه با تخلفات مانند پلیس و نیروی انتظامی در برابر افرادی که بیم تخلف از آن‌ها می‌رود بسیار اندک است، اهمیت این وظیفه اسلامی روشن‌تر می‌گردد؛ چرا که تنها از این طریق است که می‌توان به وضع جامعه سر و سامان داد؛ و تا حد وسیع، جلو تخلفات را گرفت.

دستوری که می‌گوید: اگر در درون خانه، فرزند تخلفی کند پدر و مادر در برابر او مسئول‌اند، و اگر پدر و مادر مرتکب خلافی شوند؛ فرزند بالغ در برابر آن‌ها مسئولیت دارد، و نیز اگر در شرق عالم گناهی واقع شود و در غرب جهان کسی باشد که بتواند به نحوی از آن جلوگیری کند و نکند در آن سهیم خواهد بود، بی‌شک تأثیر بسیار عمیق و گسترده‌ای در پیشگیری از گناه و دعوت به انجام وظایف و مسئولیت‌ها دارد.

این در حالی است که در جهان امروز و در تمام حکومت‌های الحادی مسئولیت جلوگیری از تخلفات و مفسدات تنها به عهده گروه کوچک خاصی گذارده شده و به همین دلیل کاربرد آن بسیار محدود و کم است.

و از اینجا عظمت و اهمیت این دستور مهم اسلامی از یکسو، و مردمی بودن حکومت اسلام از سوی دیگر روشن می‌شود. ولی این به آن معنی نیست که عموم مردم مانند یک پلیس عمل کنند؛ بلکه وظیفه آن‌ها در حد دعوت به نیکی‌ها و مبارزه با بدی‌ها از طریق نصیحت و اندرز و گاه هم دوری کردن و قطع رابطه نمودن از فاسدان و مفسدان است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۲۹/۱۰).

امام حسین علیه السلام درباره امر به معروف و نهی از منکر فرمود: «خداوند از میان همه فریضه‌ها از

امر به معروف و نهی از منکر آغاز کرده، چرا که می‌دانست اگر این فریضه به درستی انجام شود و اقامه گردد فرایض دیگر، اعم از آسان و دشوار، اقامه می‌گردد چون که امر به معروف و نهی از منکر، در حقیقت دعوت به اسلام همراه با ردّ مظالم و مخالفت با ستمگر و تقسیم صحیح بیت المال و غنایم، و گرفتن زکات از جای خود و صرف آن در مورد صحیح می‌باشد» (داوودی و رستم‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱/۳۰۶).

بعد از آن که مسلم بن عقیل علیه السلام - سفیر امام حسین علیه السلام در کوفه - توسط نیروهای ابن زیاد با مکر و حيله دستگیر شد و به مجلس او وارد گشت و او، مسلم را متهم به فتنه انگیزی ساخت، آن حضرت در پاسخ گفت: «ما لهذا آتیت، وَلَکِنَّکُمْ أَظْهَرْتُمُ الْمُنْکَرَ، وَدَفَنْتُمُ الْمَعْرُوفَ ... فَاتَّيْنَاهُمْ لِنَأْتِمُرَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ؛ من برای این چیزها که تو می‌گویی به کوفه نیامدم، بلکه شما منکرات و زشتی‌ها را ظاهر و معروف و خوبی‌ها را دفن کرده‌اید ... پس ما به پا خواستیم تا مردم را به معروف دعوت کنیم و از منکرات دور سازیم» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵/۱۰۱؛ ابن طووس، ۱۴۲۲: ۱/۷۱؛ بلاذری، ۱۳۹۷: ۱/۸۲).

طبق نقل مورخان آنگاه که حرّ مانع حرکت امام شد، امام حسین علیه السلام در نامه‌ای به بزرگان کوفه نوشت: «... فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ فِعْلَ وَلَا قَوْلَ، كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ؛ شما می‌دانید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در زمان حیاتش فرمود: هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده و پیمان خدا را شکسته، با سنت پیامبر مخالفت می‌ورزد و در میان بندگان خدا به ظلم و ستم رفتار می‌کند ولی با او به مبارزه عملی و گفتاری برنخیزد، سزاوار است که خداوند او را در جایگاه آن سلطان ستمگر [جهنم] وارد کند» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵/۱۴۳؛ خوارزمی، ۱۴۲۳: ۱/۲۳۴؛ مجلسی، ۱۳۸۶: ۴۴/۳۸۱).

امام علیه السلام با این سخنان ضمن گوشزد کردن وظایف همه قشرهای مردم، خصوصاً بزرگان کوفه، عزم جزم خویش را برای اصلاح امور و مبارزه کامل با خودکامگان و ستمگران بنی امیه اعلام می‌دارد، و این مبارزه را مشروط به حمایت آن‌ها هم نمی‌کند و آماده است جان گرامی خویش را

در این راه نیز فدا کند و لذا ما امروز در برابر مرقد آن حضرت ایستاده، و می‌گوییم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ من شهادت می‌دهم که تو نماز را بپا داشتی و زکات را ادا کردی و امر به معروف کرده و نهی از منکر را بجا آوردی» (مفاتیح الجنان، زیارت وارث).

نکته قابل توجه آن است که این گواهی، گواهی در محکمه قضا و در حضور قاضی و داور نیست، بلکه به این معنی است که من به این حقیقت اذعان دارم که نهضت تو، نهضت امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه اسلامی بود (داوودی و رستم‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۳۷).

خوشبختانه مقام معظم رهبری، با نگاه قرآنی تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در جلوگیری از رواج گناه و فساد در جامعه، کاملاً واقف و معتقد بوده؛ و بارها به تبیین آن پرداخته است؛ از جمله در یکی از خطبه‌های نماز جمعه تهران فرموده است: «سلطه اشرا بر مسلمین، اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر است، اولین فایده‌ی امر به معروف و نهی از منکر همین است که نیکی و بدی، همچنان نیکی و بدی بماند. از طرف دیگر، وقتی در جامعه گناه منتشر شود و مردم با گناه خو بگیرند، کار کسی که در رأس جامعه قرار دارد و می‌خواهد مردم را به خیر و صلاح و معروف و نیکی سوق دهد، با مشکل مواجه خواهد شد. یکی از موجبات ناکامی تلاش‌های امیرمؤمنان - با آن قدرت و عظمت - در ادامه‌ی این راه، همین بود. روایتی که می‌خوانم، روایتی تکان‌دهنده و عجیبی است. می‌فرماید: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْلَطَنَّ اللَّهُ شِرَارَكُمْ عَلَى خِيَارِكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ؛ باید امر به معروف و نهی از منکر را میان خودتان اقامه کنید، رواج دهید و نسبت به آن پایبند باشید. اگر نکرديد، خدا اشرا و فاسدها و وابسته‌ها را بر شما مسلط می‌کند (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۳/۶۸۱؛ هاشمی، ۱۴۲۲: ۷/۲۶۶؛ محمدی ری شهری، ۱۳۶۷: ۲/۸۸۴)؛ یعنی زمام امور سیاست کشور به مرور به دست امثال حجاج بن یوسف خواهد افتاد! همان کوفه‌ای که امیرالمؤمنین در رأس آن قرار داشت و در آنجا امر و نهی می‌کرد و در مسجدش خطبه می‌خواند، به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر، به مرور به جایی رسید که حجاج بن یوسف ثقفی آمد و در همان مسجد ایستاد و خطبه خواند و به خیال خود مردم را موعظه کرد! حجاج کسی بود که خون یک انسان در نظر او، با خون یک

گنجشک هیچ تفاوتی نداشت! با ترک امر به معروف و نهی از منکر، مردم این گونه دچار ظلم‌های عجیب و غریب و استثنایی و غیر قابل توصیف و تشریح شدند. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر نشود و در جامعه خلافتکاری، دزدی، تقلب و خیانت رایج گردد و بتدریج جزو فرهنگ جامعه شود، زمینه برای روی کار آمدن آدم‌های ناباب فراهم خواهد شد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۹/۲۵).

۴-۱. تأثیرگذاری سرنوشت افراد جامعه در یکدیگر

مقصود از امر به معروف و نهی از منکر که دورکن بزرگ اجتماعی اسلام به شمار می‌روند، همان دعوت و راهنمایی افراد به کارهای نیک و سودمند و بازداشتن آنان از کارهای زشت و مبارزه با انواع انحراف‌های اجتماعی و اخلاقی است.

پیش از همه، باید دید که آیا اجرای این دو اصل در اجتماعی که افراد آن معمولاً همه با هم همبستگی کامل دارند و سرنوشت همه را یک چیز تشکیل می‌دهد، به سود جامعه هست یا نه؟ هرگاه اجرای چنین اصلی به نفع اجتماع باشد، باید در این صورت به خاطر فواید مهم آن از آزادی فردی کاست و آزادی افراد را در چهارچوب این اصل محدود ساخت.

شیوه زندگی انسان در اعصار کهن به شکل اجتماعات بسیار کوچکی در درون غارها و شکاف کوه‌ها و داخل جنگل‌ها بود و تقریباً همبستگی و تشریک مساعی و ارتباط و تعاون اجتماعی بر اجتماعات آنان حکومت نمی‌کرد. در چنین زندگی که سرنوشت افراد به یکدیگر چندان بستگی ندارد، شاید مبارزه با فساد و جلوگیری از انحراف ضروری به نظر نرسد، ولی در شیوه زندگی دسته جمعی با سرنوشت مشترک، مبارزه با فساد و دعوت مردم به کارهای نیک، یک وظیفه خطیر اجتناب ناپذیر است؛ زیرا در این نوع زندگی، همه افراد یک اجتماع به صورت اعضای یک خانواده در می‌آیند و پیوند وحدت و ارتباط آن چنان در میان آنان محکم و استوار می‌گردد که هیچ فردی نمی‌تواند برای خود حساب جداگانه‌ای باز کند و خود را از نتایج اعمال خوب و بد دیگران جدا فرض کند.

در چنین اجتماعی تمام افراد، در سود و زیان اعمال یکدیگر کاملاً شریک و سهیم بوده و نتیجه عمل یک فرد دامن‌گیر همه افراد می‌شود. این جاست که هر فردی هر چه هم خود را دور

از اجتماع تصوّر کند - نمی تواند تماشاگر صحنه زندگی گردد و خود را از سود و زیان کارهای افراد دیگر دور بدارد؛ روی همین پیوند و ارتباط است که اگر بر اثر خلافتکاری برخی، ضربه اقتصادی یا فرهنگی بر پیکر اجتماعی وارد شد، دود آن به چشم همه رفته و همه در برابر آن متضرر خواهند شد.

انحراف های اخلاقی، بسان بیماری های واگیرداری است که - خواه ناخواه - دامن دیگران را نیز می گیرد؛ هرگاه میکروب «التور» در نقطه ای پیدا شد، فوراً باید مبارزه پیگیری بر ضد آن آغاز نمود و دیگران را از معاشرت با آن بیمار بازداشت و در غیر این صوت، همه کشور و یا کشورها را فرا می گیرد، همچنین، انحراف اخلاقی و اجتماعی و هر نوع آلودگی فکری و روحی - بسان بیماری جسمی - برق آسا در دل اجتماع رسوخ نموده و همه اجتماع را فرا می گیرد.

فرض کنید یک نفر خانه خود را به صورت لانه فساد درآورد و پای افرادی «لأبالی» به آن جا باز شود، آیا می توان تصوّر نمود که دختران و پسران آن نقطه که هر روز شاهد رفت و آمد گروهی منحرف به آن لانه هستند مصون و پاک بمانند، یا این که آنان نیز به مقتضای طغیان شهوت، به آن نقطه کشیده می شوند و روز به روز دایره فساد، گسترش پیدا کرده و بازار آن داغ تر می گردد.

این جاست که می توان گفت اجرای پیگیر اصل «مبارزه با انحراف های اخلاقی و اجتماعی» ضامن سعادت اجتماعی است که افراد آن در کنار یکدیگر زندگی می کنند؛ و سکوت در برابر گناه و مفاسد، غلط و گناهی بزرگ است و هرگز نمی توان حساب فرد را از حساب جامعه جدا ساخت. در حقیقت یک فرد مبارز، از حقوق خود و اجتماعی که در آن زندگی می کند دفاع می نماید و هرگز نباید اصل آزادی افراد بهانه شود که ما از این وظیفه انسانی شانه خالی کنیم و باید به این نکته توجه و ایمان داشته باشیم که آزادی افراد تا آن جا محترم است که سلب آزادی از دیگران نکند و مصالح جامعه را به خطر نیفکند.

قرآن مجید با واقع بین خاصی که از ویژگی های این کتاب آسمانی است به این حقیقت اشاره کرده و می فرماید: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾؛ و از فتنه ای پرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی رسد [بلکه همه را فرا خواهد گرفت، چرا که دیگران سکوت اختیار کردند] ﴿(انفال: ۲۵)﴾.

پیامبر اکرم ﷺ در گفتمان با یکی از یاران خویش، مثلی را مطرح کرد که خلاصه آن چنین است:

«اجتماع ما بسان کشتی بزرگی است که در آن کالاهای تجارتی حمل شده و سرنشینانی نیز همراه دارد. هر فردی از سرنشینان در طّیّ راه مختار و آزاد می باشد، ولی او هرگز نمی تواند زیر پوشش «آزادی فردی» بدنه کشتی و یا زیر پای خود را سوراخ کند و در مقام پاسخ بگوید: من نقطه ای از کشتی را مورد تصرّف قرار می دهد که زیر پای من قرار گرفته است، در صورتی که چنین جوابی از این فرد پذیرفته نیست؛ زیرا تنها سلامت خویش را به خطر نمی افکند، بلکه او با این عمل سرنوشت همه سرنشینان و کالاهای تجارتی را به خطر افکنده و همه را به سوی نابودی و نیستی سوق می دهد. جامعه ما نیز بسان کشتی است؛ افراد جامعه سرنشینان این کشتی می باشند؛ آنان در ضرر و نفع یکدیگر شریک و سهیمند و هرگز نمی توان حساب فرد را از اجتماع جدا نمود» (ابن حنبل، ۱۴۲۱: ۲۶۸/۴؛ پاینده، ۱۳۸۹: ۸۳۶/۱).

بنابراین حق نظارت بر اجتماع یک حق طبیعی است و اسلام نیز با وضع احکام و قوانینی مانند حدود، امر به معروف، نهی از منکر، آن را به رسمیت شناخته است و این منافاتی هم با آزادی در عقیده ندارد.

روش اسلام درباره محترم شمردن آزادی های فردی با روش مکتب های امروز جهان یک تفاوت حقیقی دارد، در جهان امروز آزادی تا آن جا محترم است که از ناحیه فرد، ضرری متوجه اجتماع نگردد و منافع دیگران به خطر نیفتد - هرچند به ضرر خود آن شخص تمام گردد و بر سعادت او لطمه جبرانناپذیر وارد سازد - ولی در اسلام آزادی فردی تا آن جا محترم است که مزاحم دیگران نباشد و سقوط و آلودگی اجتماع را فراهم نسازد؛ همچنین به سعادت خودش نیز لطمه ای وارد نکند و کاری انجام ندهد که موجب بدبختی او گردد.

مثلا در جهان امروز گرایش به بت پرستی و پرستش انواع موجودات رایج و آزاد است و جهان غرب در پوشش آزادی فردی این عمل را تخطئه نمی کند، ولی اسلام چنین عملی را که مایه انحطاط فرد و سقوط پرستش کننده است سخت تخطئه کرده و با فشار هرچه بیشتر مانع از انجام چنین اعمالی می گردد.

امر به معروف و دعوت مردم به کارهای نیک و بازداشتن آنان از کارهای زشت، دارای درجات و مراتبی است. آنچه مربوط به توده مردم است این است که با زبان نرم و بیان دلنشین برادران دینی خود را پند و اندرز دهند و آنان را از عواقب بد گناه باز دارند و اگر احتمال تأثیر دهند حتی می‌تواند روابط دوستانه خود را با آنان قطع کنند.

این نوع مبارزه با فساد و نظارت عمومی هرگز ایجاد هرج و مرج نمی‌کند، اما درجات بالاتر از این (مانند اجرای مجازات و کیفرها و حدود الهی درباره افراد گناهکار) باید زیر نظر حکومت اسلامی و مانند زمان پیامبر انجام گیرد و هیچ فرد عادی حق ندارد در اجرای نظارت عمومی خودسرانه اقدام نماید (مکارم شیرازی و سبحانی، بی‌تا: ۱/۴۵۵).

به بیان دیگر، در جامعه، هر ضرر فردی امکان این را دارد که به صورت یک «زیان اجتماعی» درآید؛ زیرا با توجه به پیوندهای اجتماعی، هیچ‌گناه و انحرافی در نقطه خاصی محدود نخواهد ماند؛ بلکه هرچه باشد بسان آتشی ممکن است به نقاط دیگر سرایت کند؛ یعنی انحراف یک فرد، علاوه بر این که به خود وی ضرر می‌زند، جامعه نیز از رفتار انحرافی او زیان‌مند می‌شود. برای توضیح بهتر به این نکته توجه کنید: هنگامی که در جامعه، فردی به مرض مسری همانند وبا و طاعون و ایدز گرفتار می‌شود، برای پیش‌گیری از شیوع بیماری، فرد مبتلا را فوراً از دیگران جدا می‌کنند و تحت معالجه قرار می‌دهند و اقدام به نابودی میکروب‌های آن مرض می‌نمایند و عقل نیز این کار را می‌ستاید و بر لزوم آن حکم می‌کند. مرض‌های روحی و انحرافات اخلاقی نیز به همین منوال است؛ اگر جامعه در برابر آن قرار نگیرد و عکس‌العمل نشان ندهد و برای نابودی آن تلاش نکند، به تدریج گسترش یافته و در نهایت سقوط و فساد جامعه را به دنبال خواهد داشت. به همین دلیل، عقل و منطق به افراد جامعه اجازه می‌دهد که در پاک نگه داشتن محیط زیست خود تلاش نمایند.

از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمودند: «فرد گنه‌کار در جامعه همانند کسی است که با جمعی سوار کشتی شود و به هنگامی که در وسط دریا قرار گیرد، تبری برداشته و به سوراخ کردن موضعی که در آن نشسته است بپردازد؛ هرگاه به او اعتراض کنند، در جواب بگوید من در سهم خودم تصرف می‌کنم و اگر دیگران او را از این عمل باز ندارند، طولی نمی‌کشد که آب دریا

به داخل کشتی نفوذ کرده و یک باره همگی در دریا غرق خواهند شد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۰/۳).

پیامبر اکرم ﷺ با این تمثیل جالب، منطقی و عقلی بودن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را مجسم ساخته و حق نظارت فرد بر اجتماع را یک حق طبیعی که ناشی از پیوند سرنوشت‌ها است می‌داند؛ بنابراین انجام این فریضه الهی و عقلی نه تنها معارض و مزاحم آزادی‌های فردی نیست، بلکه وظیفه‌ای است که افراد در برابر یکدیگر دارند. علاوه بر این، اسلام چون استكمال معنوی انسان را جز از مسیر اختیار قابل وصول نمی‌داند بیش از هر مکتب حقوقی - سیاسی دیگر بر «آزادی‌های قانونی و حقوقی انسان‌ها» تاکید می‌ورزد و آن را یکی از مبانی حقوق خود می‌داند؛ اما آزادی حد و حدودی دارد و اگر کسی بخواهد از آن سوءاستفاده کند، طبعاً جامعه در برابر او می‌ایستد و این یکی از این حدود امر به معروف و نهی از منکر است.

علمای اخلاق و تفسیر نیز با الهام از آیات و روایات به این قضیه مهم پرداخته‌اند؛ چنان‌که مقام معظم رهبری پس از قرائت آیه «وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست» (حج: ۳۹): فرمودند: «خداوند متعال برای آن کسانی که وعده‌ی نصرت داده است، شرطی مقرر (نموده و چنین) فرموده است: ... «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۳۹ و ۴۱) خداوند متعال چهار شاخص را در این آیه‌ی شریفه برای آن مؤمنانی که قدرت در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد و از زیر سلطه‌ی قدرتمندان جانر خارج می‌شوند، معین کرده و وعده کرده است که «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» خدای متعال قادر است که یک چنین ملت‌ی را نصرت کند و یقیناً هم نصرت خواهد کرد. از این چهار شرط، یکی نماز است، یکی زکات است، یکی امر به معروف است و دیگری نهی از منکر. هر کدام این چهار خصوصیت و چهار شاخص، یک جنبه‌ی فردی و شخصی دارند، لکن در کنار آن، یک جنبه‌ی اجتماعی و تأثیر در نظام‌سازی اجتماعی [هم] دارند. نماز با آن همه راز و رمزی که در حقیقت نماز نهفته است که معراج هر مؤمن است، «قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ» (نهج البلاغه: حکمت ۱۳۶) است، وسیله‌ی فوز و سعادت است، از همه‌ی اعمال برتر و بالاتر است، حتی نماز دارای جنبه‌ی اجتماعی هم هست. جنبه‌ی اجتماعی نماز

این است که یکایک مسلمانان به وسیله‌ی نماز با یک مرکز واحدی در تماس می‌شوند. در آن واحد در وقت نماز، همه‌ی مسلمانان در همه‌ی نقاطی که دنیای اسلام گسترده است، دل را به یک مرکز واحدی متصل می‌کنند؛ این اتصال همه دل‌ها به یک مرکز واحد، یک مسئله‌ی اجتماعی است، یک مسئله‌ی نظام‌ساز است، معین‌کننده و شکل‌دهنده‌ی هندسه‌ی نظام اسلامی است. زکات که دارای جنبه‌های فردی است و گذشت و اعطای «ما یحب» را به انسان می‌آموزد که خود این یک تجربه و آزمون بسیار مهم است، اما یک ترجمان اجتماعی دارد؛ زکات در استعمالات قرآنی، به معنی مطلق انفاقات است اعم از زکات مصطلحی است که در آیه‌ی شریفه‌ی ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً﴾ (توبه: ۱۰۳) به آن اشاره شده است؛ زکات یعنی مطلق انفاقات مالی، [اما] جنبه‌ی اجتماعی و ترجمان اجتماعی نظام‌ساز زکات این است که انسانی که در محیط اسلامی و جامعه‌ی اسلامی، برخوردار از مال دنیوی است، خود را متعهد می‌داند، مدیون می‌داند، طلبکار نمی‌داند، خود را بدهکار جامعه‌ی اسلامی می‌داند؛ هم در مقابل فقرا و ضعفا، هم در مقابل سیل الله؛ بنابراین زکات با این نگاه، یک حکم و شاخص نظام‌ساز است. و اما امر به معروف و نهی از منکر که در واقع به نوعی زیربنای همه‌ی حرکات اجتماعی اسلام است که «بها تُقَامُ الْفَرَائِضُ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۵) امر به معروف یعنی همه‌ی مؤمنان در هر نقطه‌ای از عالم که هستند، موظفند جامعه را به سمت نیکی، به سمت معروف، به سمت همه‌ی کارهای نیکو حرکت دهند؛ و نهی از منکر یعنی همه را از بدی‌ها، از پستی‌ها، از پلشتی‌ها دور بدارند. هر کدام از این چهار شاخص به نحوی ترجمان ساخت و هندسه‌ی نظام اسلامی است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در صفحات پیشین بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که براساس منطقی آیات و روایات اسلامی و همچنین بیانات مقام معظم رهبری، رابطه بین امر به معروف و نهی از منکر و آزادی اجتماعی انسان‌ها رابطه‌ای اثباتی و کاملاً همخوان است. توجه عملی به این دو فریضه دینی، به ارتقاء، ترویج، اجرا و دفاع از حقوق بشر و صیانت از آزادی شهروندان کمک می‌کند.

از این رو باید دانست که تنها مصالح مادی و معنوی جامعه هستند که می‌توانند آزادی اجتماعی انسان‌ها را محدود کنند. به این معنا که هر فرد، تا زمانی که به مصالح فردی و اجتماعی زیانی نرساند، از لحاظ حقوقی و قانونی آزاد است؛ و این آزادی حقوقی و قانونی، با مسئولیت الهی و اخروی تعارضی ندارد.

اصل امر به معروف و نهی از منکر باید در همه شئون جامعه (سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیت و...) رعایت شود. این همان آزادی در چارچوب قوانین اجتماعی صحیح است. از آنجا که همه افراد جامعه حق دارند به کمال برسند، نباید اجازه داد که عمل ناپسندی علناً و در حضور دیگران انجام شود و اثرات سوء و نامطلوبی بر اذهان و نفوس آنان بر جای بگذارد. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر نه تنها با آزادی افراد در تعارض نیست، بلکه در راستای تأمین و حفظ آزادی آنان قرار دارد.



کتابنامه

۱. قرآن کریم (۱۳۷۳). ترجمه ناصر مکارم شیرازی، بی چا، قم، دارالقرآن.
۲. نهج الفصاحه (۱۳۸۲). ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ ۴، تهران، دنیای دانش.
۳. نهج البلاغه (۱۳۸۷). سیدمحمدبن حسین شریف الرضی، بی چا، قم، الهادی.
۴. ابن اعثم کوفی، احمد (۱۴۱۱). الفتوح، چ ۱، بیروت، دارالاضواء.
۵. ابن حنبل، احمد (۱۴۲۱)، مسند أحمد بن حنبل، بی چا، بیروت، دار صادر.
۶. ابن طاووس، سیدعلی بن موسی بن جعفر (۱۴۲۲). الملهوف علی قتلی الطفوف، چ ۱، تهران، دارالاسوه.
۷. آقابخشی، علی (۱۳۷۸). فرهنگ علوم سیاسی، چ ۲، تهران، چاپار.
۸. برلین، آیزایا (۱۳۹۸). چهارمقاله آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، چ ۲، تهران، خوارزمی.
۹. بستانی، رضا (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی، چ ۲، تهران، اسلامی.
۱۰. بلاذری، احمدبن یحیی (۱۳۹۷). انساب الاشراف، چ ۱، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۱. خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۲۳). مقتل الحسین، چ ۲، قم، انوار الهدی.
۱۲. داودی، سعید؛ رستم نژاد، مهدی (۱۳۸۸). عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، بی چا، قم، امام علی بن ابی طالب (ع).
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱). لغت نامه دهخدا، چ ۱، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن، چ ۱، بیروت، دارالشامیه.
۱۵. سیدقطب، ابراهیم حسین الشاذلی (۱۴۰۸). فی ظلال القرآن، چ ۱۵، بیروت، دار الشروق.
۱۶. شریعتمداری، حسین (۱۳۲۰). روزنامه کیهان، نشانی: www.kayhan.ir.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۴۱). فرهنگ عمید، چ ۶، تهران، امیرکبیر.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). المعین، چ ۲، قم، موسسه دارالهجره.

۱۶. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۲۸). *مصباح المنیر*، چ ۱، بیروت، مکتبه العصریه.
۱۷. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، چ ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *کافی*، چ ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹). *کنز العمال*، چ ۱، بیروت، الرساله.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۶). *بحار الأنوار*، چ ۴، تهران، اسلامیه.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۷). *میزان الحکمه*، چ ۲، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *یادداشت‌های استاد مطهری*، بی‌چا، تهران، صدرا.
۲۳. معین، محمد (۱۳۵۱). *لغت‌نامه فرهنگ معین*، چ ۱، تهران، امیرکبیر.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *پیام قرآن*، چ ۹، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، چ ۱۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ سبحانی، جعفر (بی‌تا). *پاسخ به پرسش‌های مذهبی*، چ ۲، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۷. هاشمی، علی بن ابوبکر (۱۴۲۲). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، چ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.

28. <https://farsi.khamenei.ir>.

29. <https://islamquest.net>.